

خارج الفقہ

۲-۲-۴۰۴ فقہ اکبر ۳

۷۴

(مکتب و نظام سیاسی اسلام)

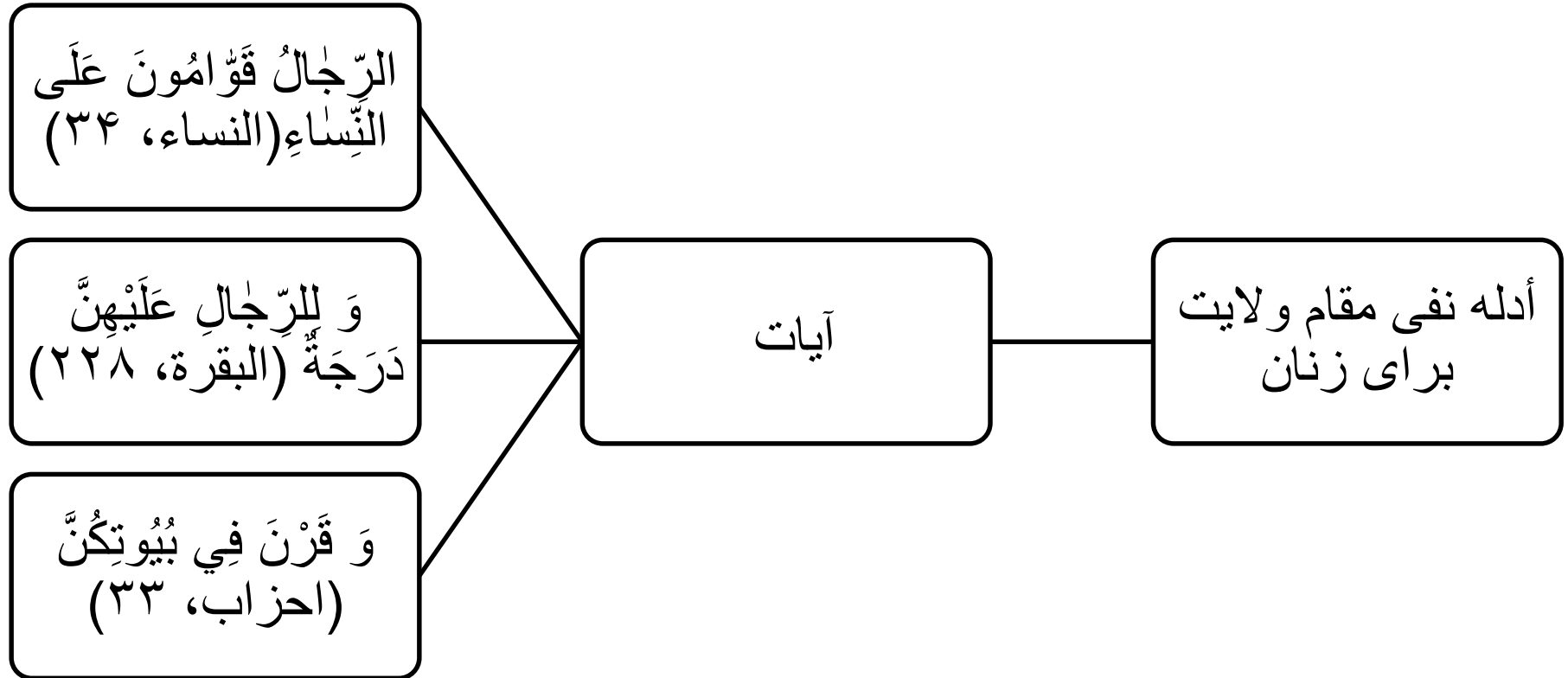
دراسات الاستاذ:

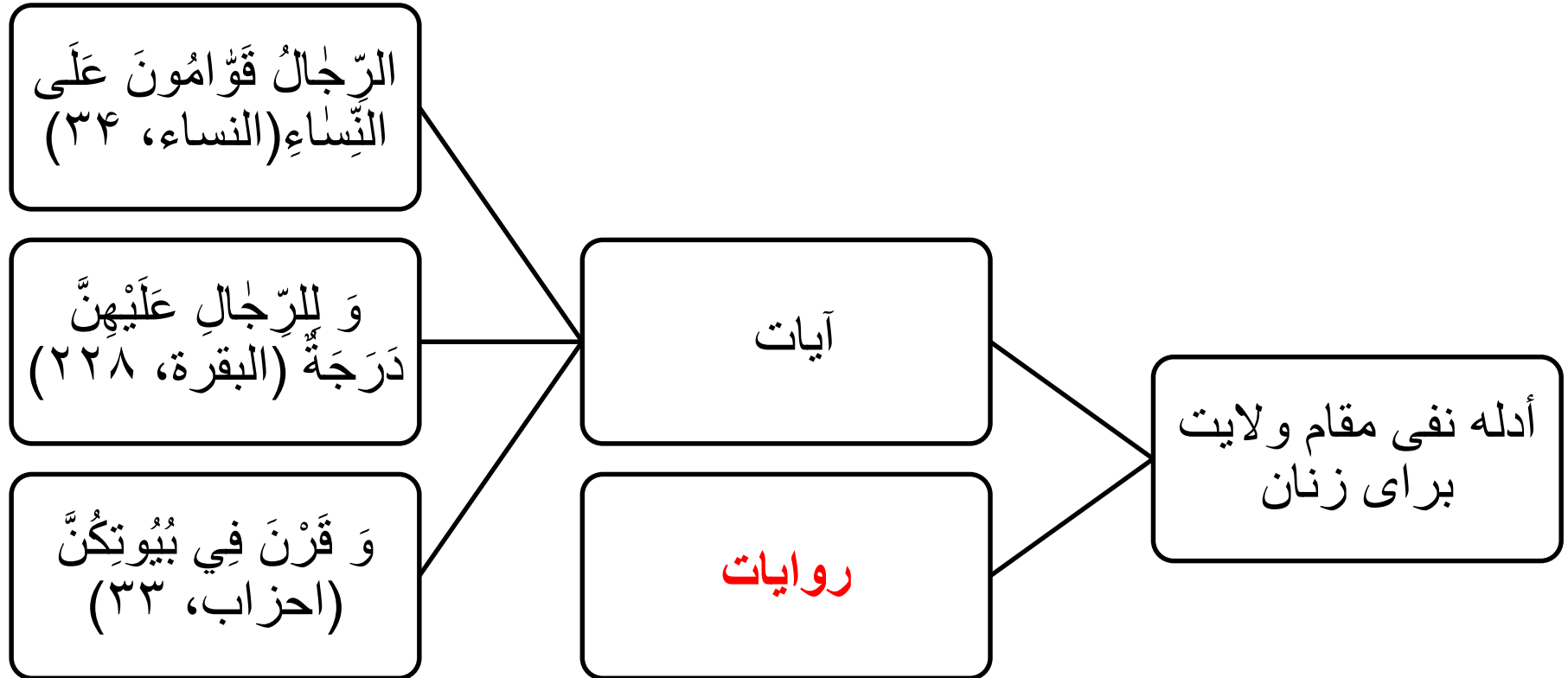
مهدی المادوی الطهرانی

آيات

روايات

أدله نفى مقام
ولایت برای زنان





مُشَاوَرَةُ النِّسَاءِ

- و منها: الذكورية
- ، فلا ولاية للامراة؛ لما دلّ على نقصان عقولهنّ «١»، و أنّه لا تطيعوهنّ في حال «٢»، و لا تأمنوهنّ على مال، و أنّه «٣» لا تملك المرأة ما جاوز أمر نفسها «٤» و أنّه «ليس على النساء أذان و لا إقامة و لا جمعة و لا جماعة و لا تولي القضاء» «٥»،

مُشَاوَرَةُ النِّسَاءِ

- (١). نهج البلاغة (صبحي صالح)، خ ٨٠.
- (٢). بحار الأنوار ١٠٣ : ٢٢٣.
- (٣). بحار الأنوار ١٠٣ : ٢٥٣.
- (٤). بحار الأنوار ٧٧ : ٢١٤ و ٢٣٣ و ١٠٣ : ٢٥٣.
- (٥). بحار الأنوار ١٠٣ : ٢٢٣.

مُشَاوَرَةُ النِّسَاءِ

- و أَنَّهُ مَا أَفْلَحَ قَوْمٌ وَلَّتْهُمْ امْرَأَةٌ «١»، و أَنَّهُ شَاوَرُوهُنَّ وَ خَالَفُوهُنَّ «٢»، و غَيْرَ ذَلِكَ مِمَّا دَلَّ فَحْوَى أَوْ صَرِيحًا عَلَى ذَلِكَ، و بِالْأُولَوِيَّةِ الْقَطْعِيَّةِ عَلَى قُصُورِهِنَّ عَنْ هَذِهِ الْمَرْتَبَةِ الْجَزِيلَةِ وَ الْمَنْصَبِ الْعَظِيمِ الَّذِي يَتَخِيرُ فِي الْقِيَامِ بِهَا ذَوَى الْأَلْبَابِ مِنَ الرِّجَالِ، وَ يَعْجُزُ عَنْ وَظَائِفِهَا إِلَّا مِنْ عَصَمَةِ اللَّهِ الْمَلِكِ الْمُتَعَالِ.

مُشَاوَرَةُ النِّسَاءِ

- هذا، مضافاً إلى عدم دليل يدلّ على ولايتها؛ لانصراف الأخبار إلى الرجال، بل هو صريح بعضها و ظاهر آخر. و لو فرض عام، فهو لضعف السند و إعراض الأصحاب غير معمول عليه، أو محمولاً على الغالب؛ لقلّة من يوجد من النساء من تحصل لها سائر الشرائط من الاجتهاد و غيره.

- و كيف كان، هذا الشرط مما لا إشكال فيه. و يمكن دعوى الإجماع عليه أيضا.

- ۲۱۴۳-۶- «۲» محمد بن الحسن بإسناده عن محمد بن علي بن محبوب عن أحمد بن محمد عن الحسين بن سعيد عن أبي الجهم عن أبي خديجة قال: بعثني أبو عبد الله ع إلي أصحابنا - فقال قل لهم إياكم إذا وقعت بينكم خصومة - أو تدارى «۳» في شيء من الأخذ والعطاء - أن تحاكموا «۴» إلى أحد من هؤلاء الفساق - أجعلوا بينكم **رجلاً** «۵» قد عرف حلالتنا وحرماننا - فإني قد جعلته عليكم قاضياً - وإياكم أن يخاصم بعضكم بعضاً إلى السلطان الجائر.

- (٢) - التهذيب ٦ - ٣٠٣ - ٨٤٦.
- (٣) - في المصدر - تدارى بينكم، تدارؤ، و التدارؤ - التدافع في الخصومة. (القاموس المحيط - درأ - ١ - ١٤).
- (٤) - في المصدر - تتحاكموا.
- (٥) - في المصدر زيادة - ممن.

- «٦» ١١ باب وجوب الرجوع في القضاء و الفتوى إلى رواة الحديث من الشيعة فيما رواه عن الأئمة ع من أحكام الشريعة لا فيما يقولونه برأيهم

- ۱۶۴۳۳- ۱- «۷» محمد بن يعقوب عن محمد بن يحيى عن محمد بن الحسين عن محمد بن عيسى عن صفوان بن يحيى عن داود بن الحصين عن عمر بن حنظلة قال: سألت أبا عبد الله ع عن رجلين من أصحابنا - بينهما منازعة في دين أو ميراث - فتحاكما إلى السلطان وإلى القضاء أ يحل ذلك -
- (۷) - الكافي ۱ - ۶۷ - ۱۰ و الكافي ۷ - ۴۱۲ - ۵، و الاحتجاج - ۳۵۵.

- قَالَ مَنْ تَحَاكَمَ إِلَيْهِمْ فِي حَقٍّ أَوْ بَاطِلٍ - فَإِنَّمَا تَحَاكَمُ إِلَى الطَّاغُوتِ - وَ مَا يَحْكُمُ لَهُ فَإِنَّمَا يَأْخُذُ سِحْتًا - وَ إِن كَانَ حَقًّا ثَابِتًا لَهُ - لَأَنَّهُ أَخَذَهُ بِحُكْمِ الطَّاغُوتِ - وَ مَا أَمَرَ اللَّهُ أَنْ يُكْفَرَ بِهِ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى يَرِيدُونَ أَنْ يُتَحَّكَمُوا إِلَى الطَّاغُوتِ - وَ قَدْ أُمِرُوا أَنْ يُكْفَرُوا بِهِ «١» -

- قُلْتُ فَكَيْفَ يَصْنَعَانِ - قَالَ يَنْظُرَانِ مَنْ كَانَ مِنْكُمْ مِمَّنْ قَدْ رَوَى حَدِيثَنَا - وَنَظَرَ فِي حَلَالِنَا وَحَرَامِنَا وَعَرَفَ أَحْكَامَنَا - فَلْيَرْضَوْا بِهِ حَكْمًا فَإِنِّي قَدْ جَعَلْتُهُ عَلَيْكُمْ حَاكِمًا - فَإِذَا حَكَمَ بِحُكْمِنَا فَلَمْ يَقْبَلْ مِنْهُ - فَإِنَّمَا اسْتَخَفَّ بِحُكْمِ اللَّهِ وَ عَلَيْنَا رَدٌّ - وَ الرَّادُّ عَلَيْنَا الرَّادُّ عَلَى اللَّهِ - وَ هُوَ عَلَى حَدِّ الشِّرْكِ بِاللَّهِ الْحَدِيثُ.

ادلة ولايه الفقيه

- وَ رَوَاهُ الشَّيْخُ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ
الْحُسَيْنِ بْنِ شَمُونٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى «٢» وَ بِإِسْنَادِهِ
عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ
مُحِبُّوبٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى نَحْوَهُ «٣».

ادلة ولاية الفقيه

- (١) - النساء ٤ - ٦٠.
- (٢) - التهذيب ٦ - ٢١٨ - ٥١٤.
- (٣) - التهذيب ٦ - ٣٠١ - ٨٤٥.

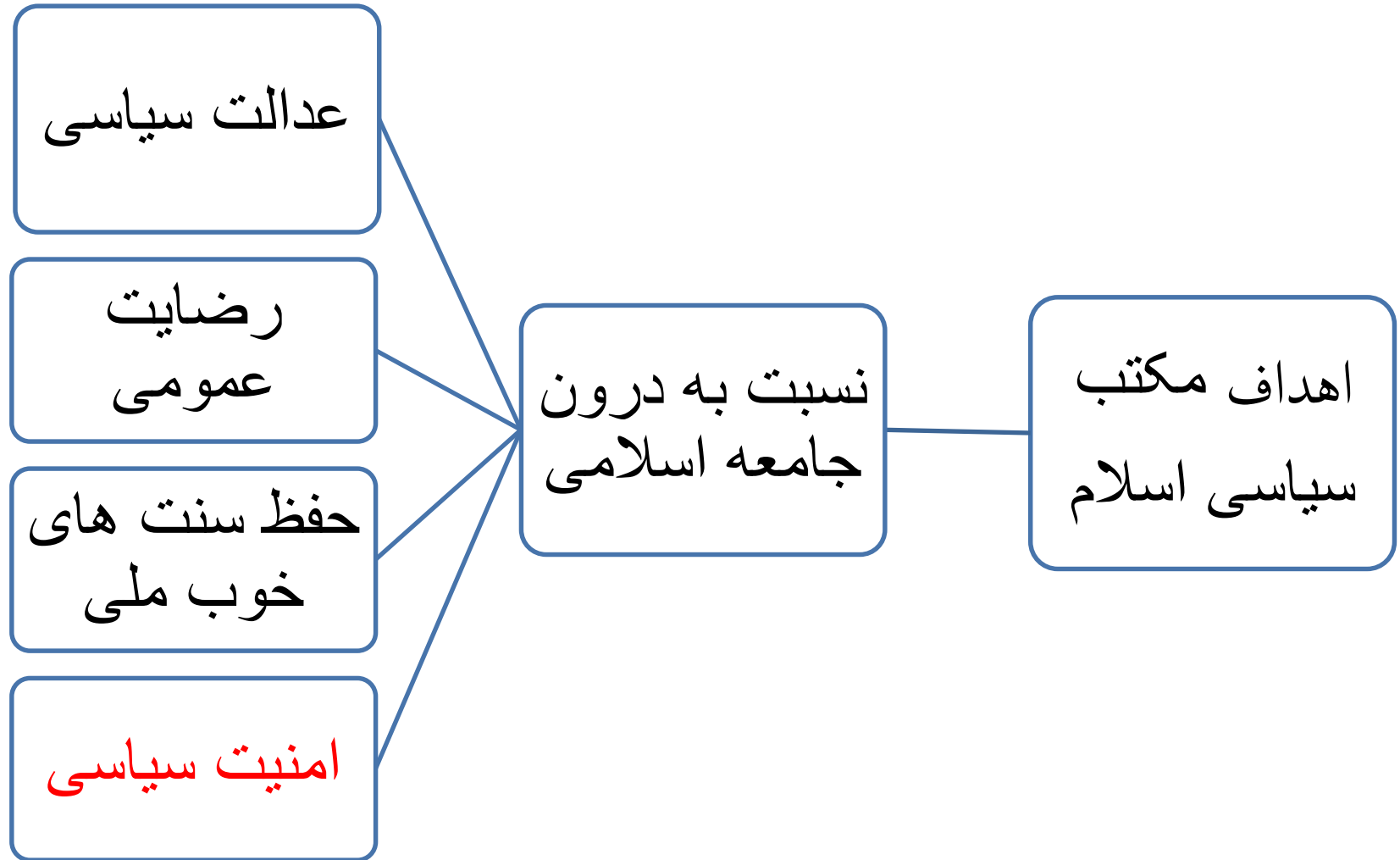
- ٣٣٤٢٤ - ٩ - «٣» وَ فِي كِتَابِ إِكْمَالِ الدِّينِ وَ إِتْمَامِ النِّعْمَةِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَصَامٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَعْقُوبَ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ يَعْقُوبَ قَالَ: سَأَلْتُ مُحَمَّدَ بْنَ عَثْمَانَ الْعَمْرِيَّ أَنْ يُوصِلَ لِي كِتَابًا - قَدْ سَأَلْتُ فِيهِ عَنْ مَسَائِلَ أَشْكَلْتُ عَلَى فَوْرَدِ التَّوْقِيعِ بِخَطِّ مَوْلَانَا صَاحِبِ الزَّمَانِ ع -

- أَمَّا مَا سَأَلْتَ عَنْهُ أَرْشَدَكَ اللَّهُ وَ تَبَتَّكَ إِلَى أَنْ قَالَ - وَ أَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى **رُؤَاةٍ حَدِيثَنَا -** فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَ أَنَا حُجَّةُ اللَّهِ «٤» - وَ أَمَّا مُحَمَّدُ بْنُ عَثْمَانَ الْعَمْرِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ - وَ عَنْ أَبِيهِ مِنْ قَبْلِ فَإِنَّهُ ثَقَنِي وَ كِتَابَهُ كِتَابِي.

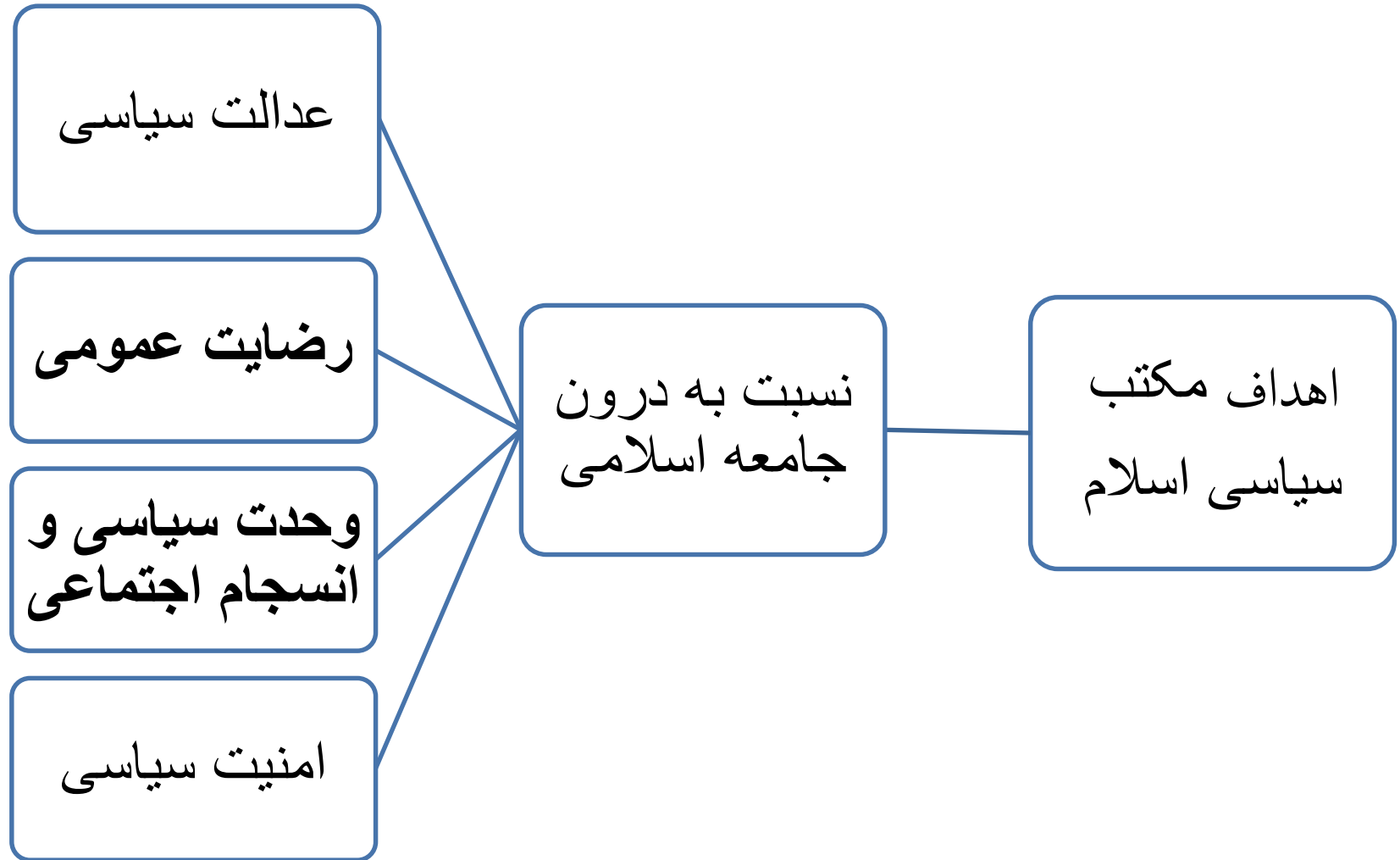
- وَرَوَاهُ الشَّيْخُ فِي كِتَابِ الْغَيْبَةِ عَنْ جَمَاعَةٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ قَوْلُوَيْهِ وَأَبِي غَالِبٍ الزَّرَّارِيِّ وَغَيْرِهِمَا كُلَّهُمْ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَعْقُوبَ «٥» وَرَوَاهُ الطَّبْرِسِيُّ فِي الْإِحْتِجَاجِ مِثْلَهُ «٦».

- (٣) - إكمال الدين - ٤٨٤ - ٤.
- (٤) - فى المصدر زياده - عليهم.
- (٥) - الغيبه - ١٧٦.
- (٦) - الاحتجاج - ٤٦٩.

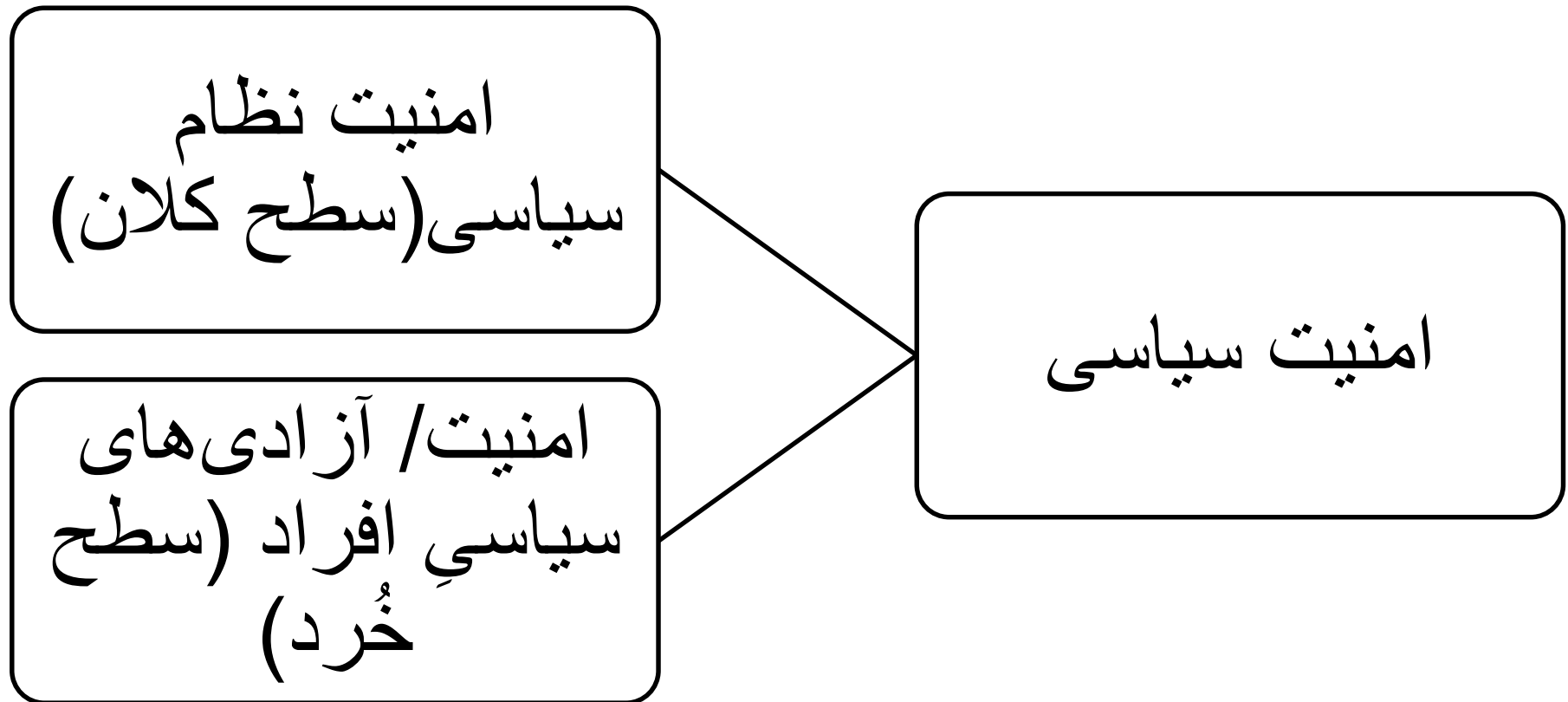
اهداف مكتب سياسى اسلام



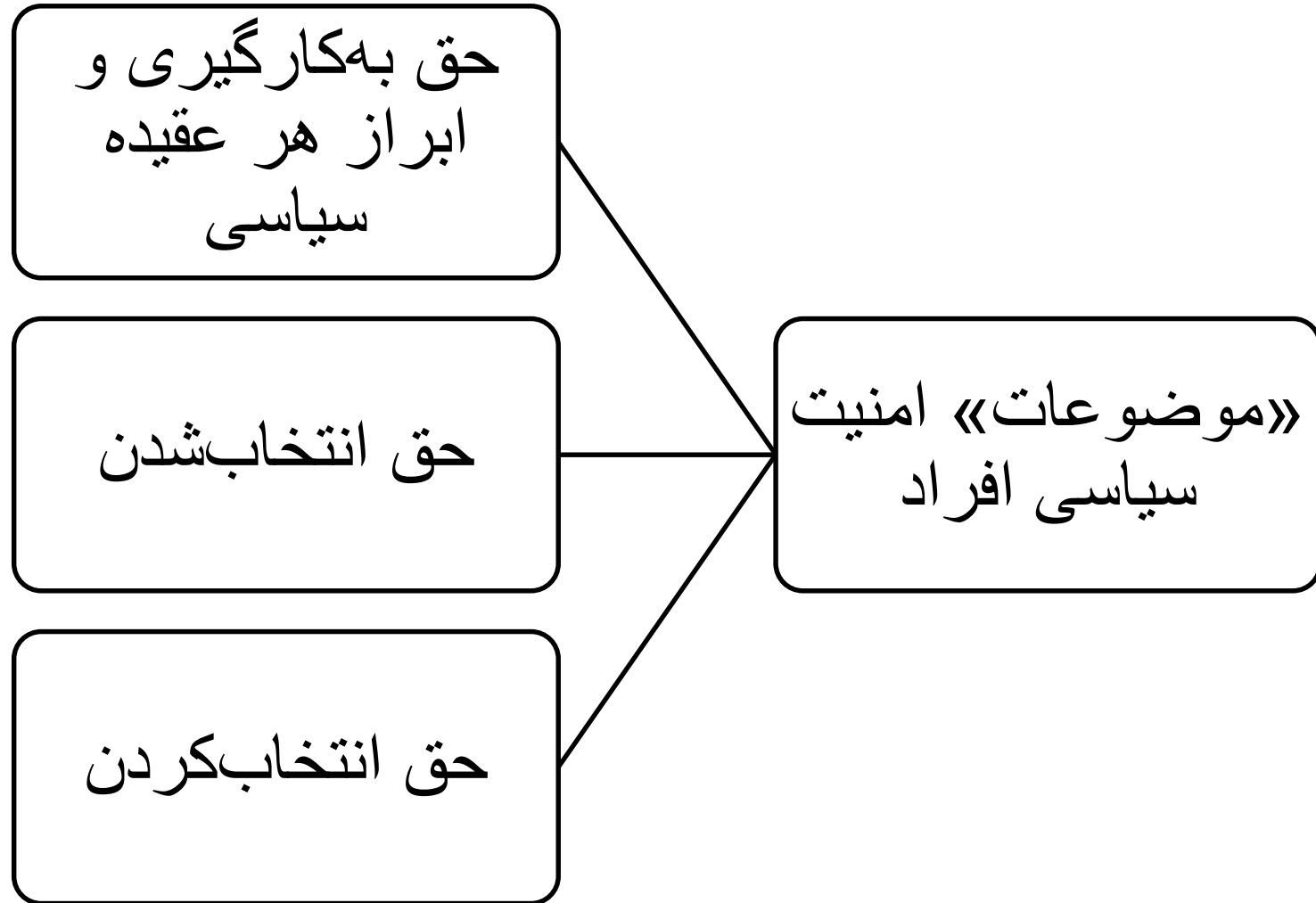
اهداف مكتب سياسى اسلام



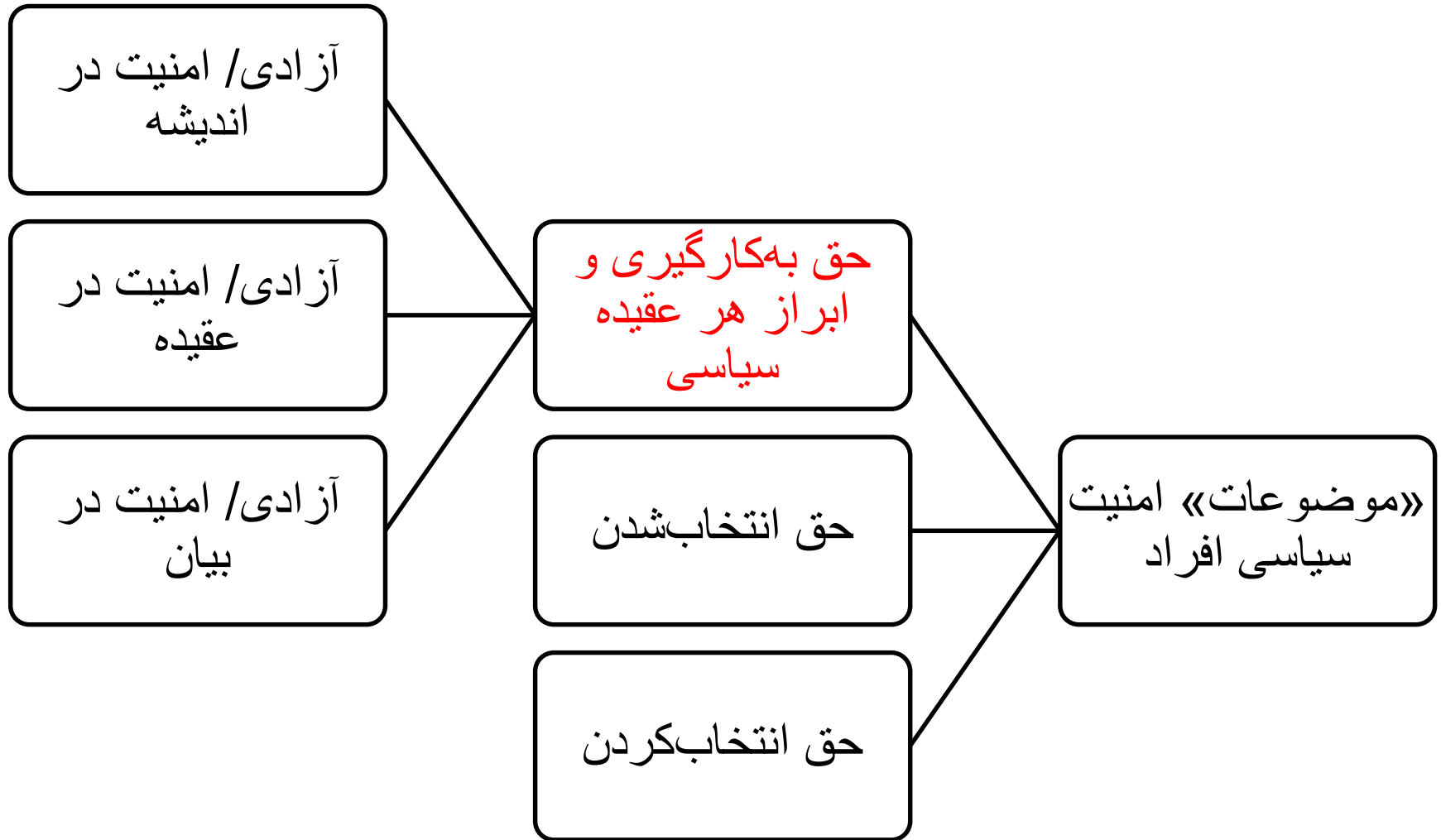
امنيت سياسى افراد و مرجع آن در فقه اماميه



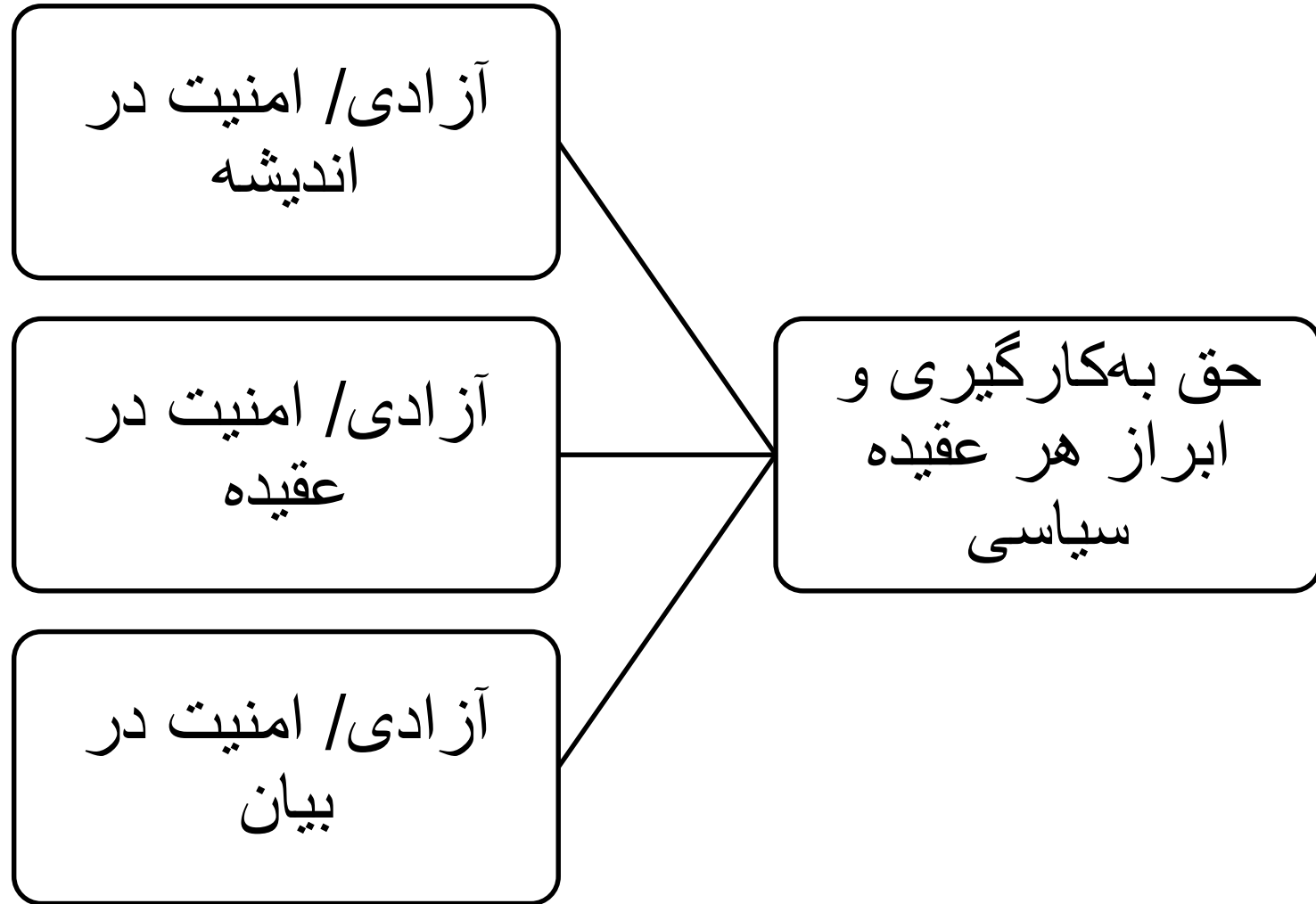
امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه



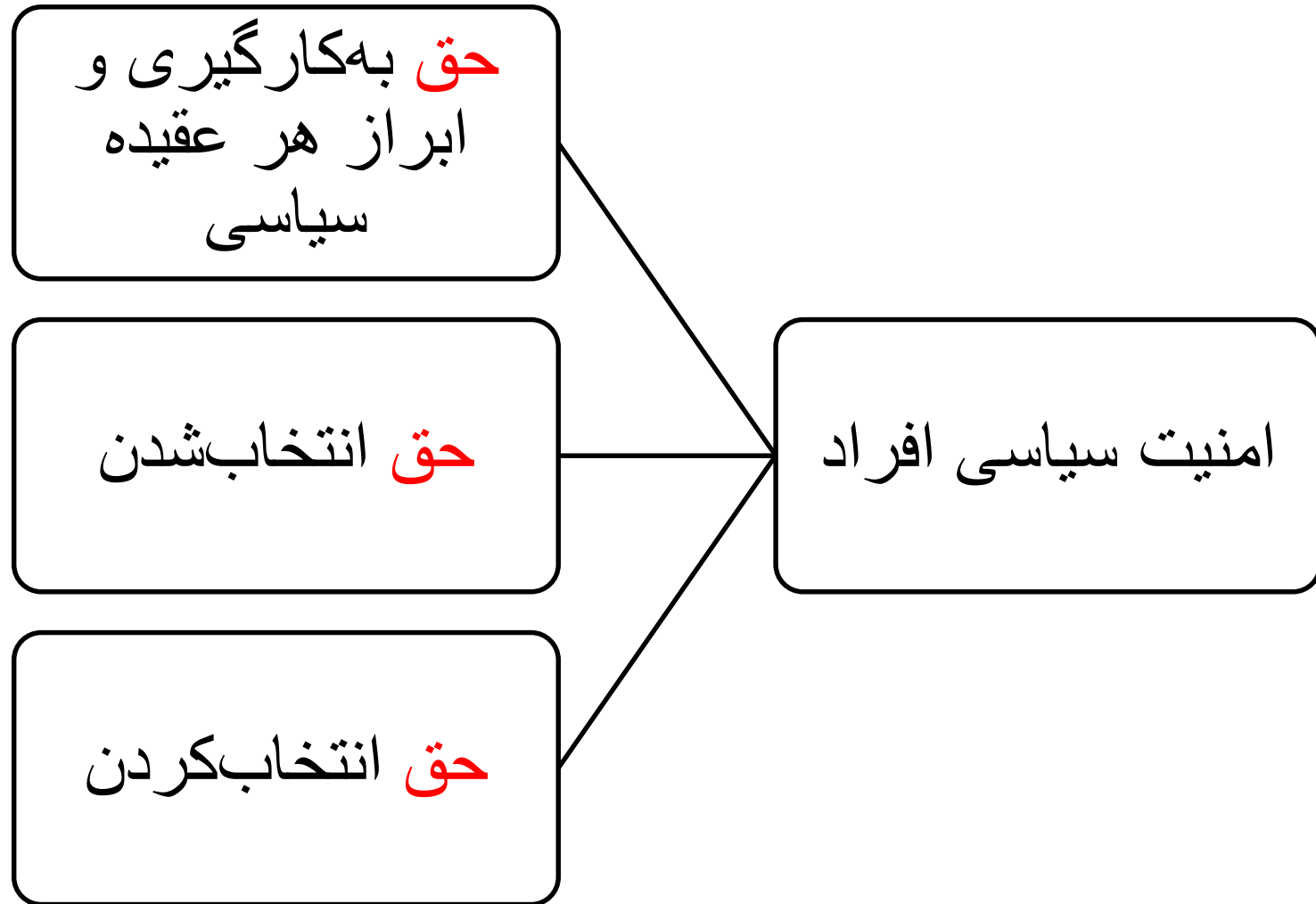
امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه



امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه



امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه



حق یک مبنا است نه یک هدف

• حق یک امر پیشینی است، یعنی پیش از تحقق نظام باید پذیرفته شود. پس یک مبنا است نه یک هدف.

• نظام باید به گونه ای باشد که از این حق صیانت کند، مانند سایر حقوق مردم. این امر به معنای تحقق عدالت است که یک هدف در مکتب سیاسی اسلام است.

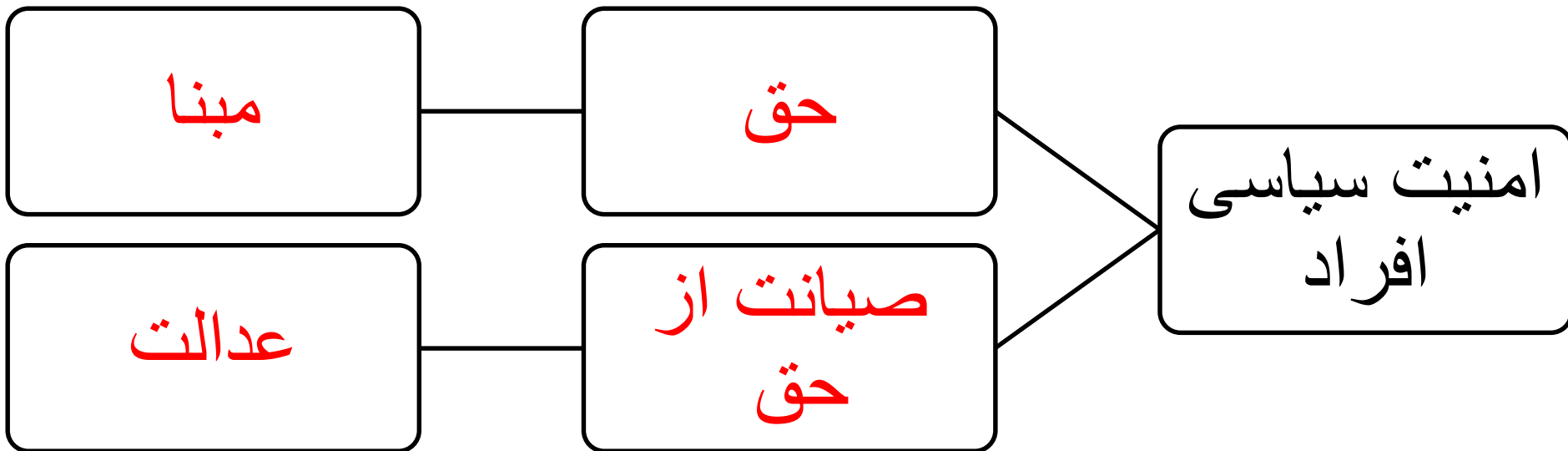
امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه

حق

صیانت از
حق

امنیت سیاسی
افراد

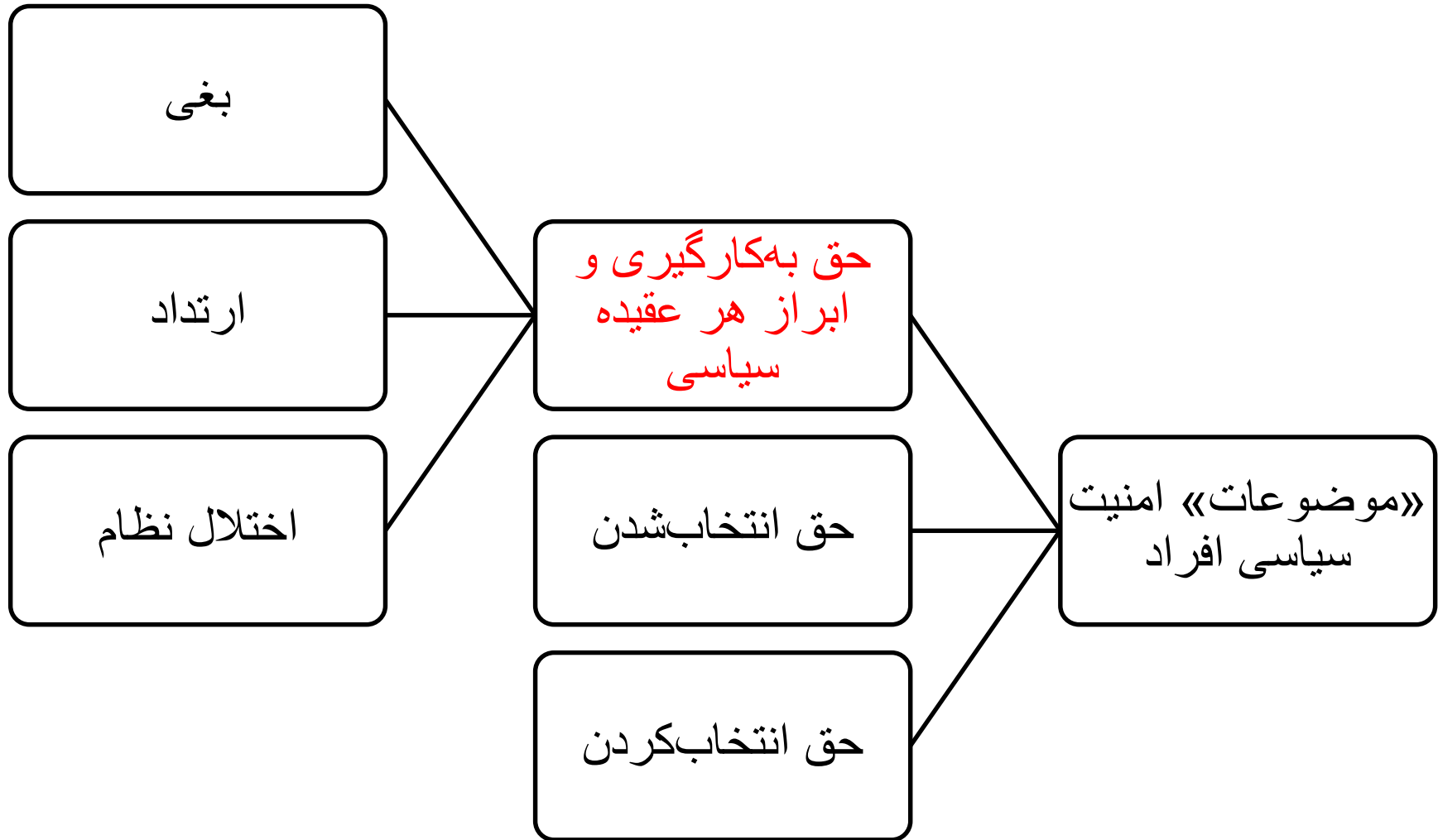
امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه



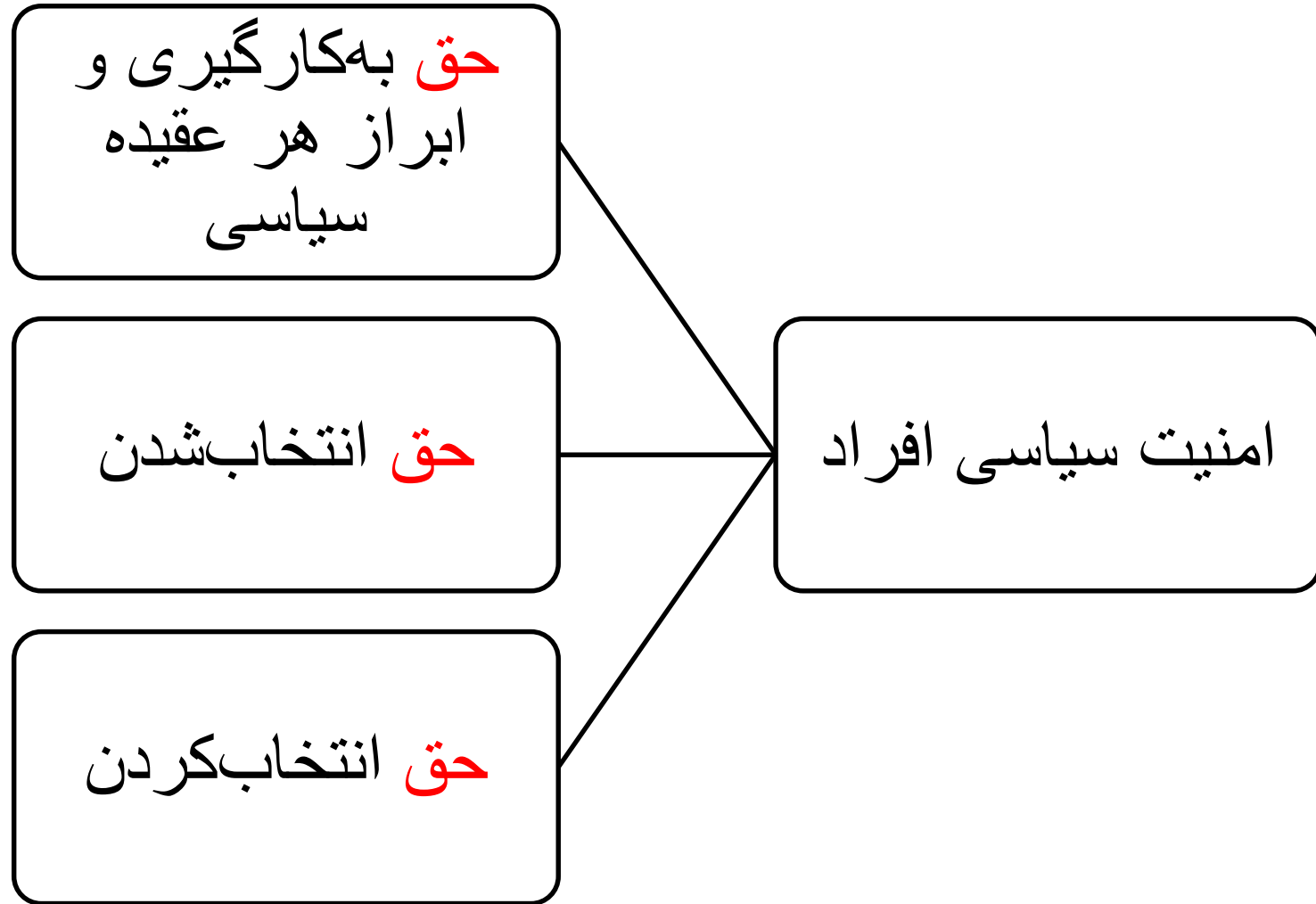
حق یک مبنا است نه یک هدف

• بنا بر این امنیت سیاسی افراد به
معنای حق به و به معنای صیانت از
حق به هدف عدالت در مکتب
سیاسی اسلام باز می گردد و هدفی
در عرض عدالت نیست.

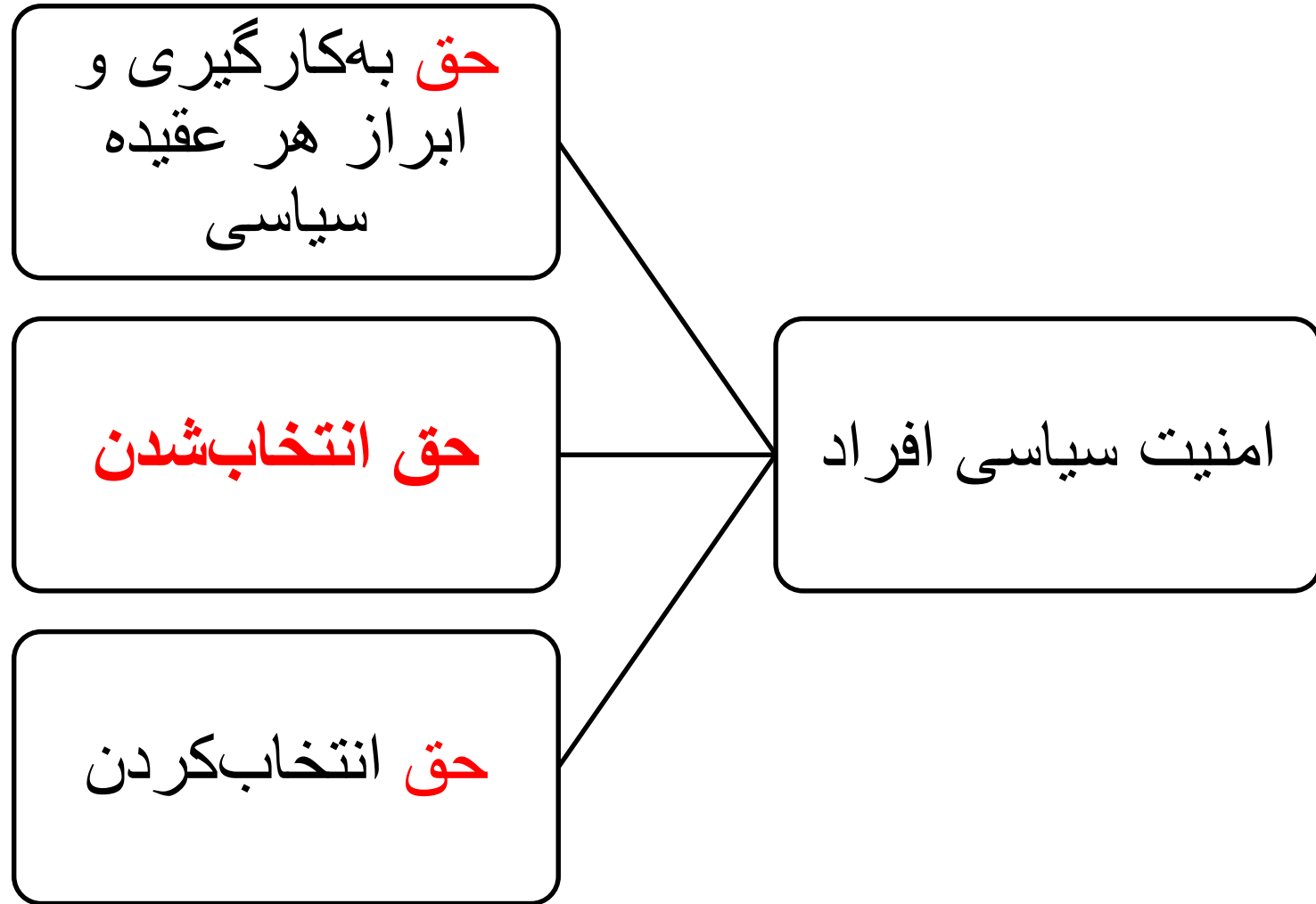
امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه



امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه



امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه



امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه

• 4. حق انتخاب شدن

• جلوه دیگر امنیت سیاسی در سطح فردی را می توان در حق انتخاب شدن و به عبارتی، حق و امکان افراد برای اینکه بتوانند به عالی ترین مناصب مدیریت جامعه برسند، دانست.

امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه

- به عبارت دیگر، اگر شهروندان این امکان را پیش روی خویش ببینند که در صورتی که بخواهند، می‌توانند با کوشش و برنامه‌ریزی به بالاترین سطوح حاکمیت دست یابند، نوعی احساس آرامش و امنیت خواهند کرد.

امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه

- برای بررسی این جنبه از امنیت سیاسی افراد، ضروری است شرایطی که در منابع و متون فقهی برای حاکم اسلامی برشمرده شده است، مورد ملاحظه قرار گیرد تا معلوم شود آیا عموم مردم حق تصدی زعامت مسلمانان را دارند یا آنکه فقط صنف، طبقه و گروه خاصی می‌تواند به این مقام نایل شود و دیگران به فرمانبرداری بودن محکوم‌اند.

- از کلام حضرت امام و دیگر بزرگان این گونه برداشت می شود که برای حاکم جامعه اسلامی، دو دسته از شرایط لازم است؛ «شرایط عمومی» همچون عقل و تدبیر (خمینی، ۱۴۲۳، ص ۴۸) که در همه جوامع برای حاکمان شان مقرر می دارند و «شرایط اختصاصی» که به فقهای شیعه منحصر است و در دو شرط بیان شده است: «علم به قانون» (همان، ص ۴۷) یا اجتهاد مطلق و «برخورداری از کمال اعتقادی و اخلاقی» یا عدالت

*** (همان)

امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه

- چنین شرایطی از دو جنبه می تواند برای عموم افراد جامعه تولید امنیت نماید؛ اول، از این جهت که لزوم وجود چنین معیارهایی در حاکمان آنها و پیش بینی سازوکارهای نظارتی متعدد و مردمی بر تداوم این ملاک ها، ضامن بسیاری از حقوق و آزادی های بنیادین مردم است و مردم این اطمینان خاطر را می یابند که از جانب حاکمان شان مورد تعدی و خیانت قرار نمی گیرند (ر.ک: ارسطا، ۱۳۸۹، ص ۱۴۷ به بعد)؛

امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه

- دوم، هر فردی می‌تواند با سعی و تلاش خویش و بر پایه استعدادهای درونی‌اش، به عالی‌ترین سطوح مدیریت جامعه اسلامی برسد و در این میان، هیچ ملاک و مزیت تبعیض‌آمیزی به چشم نمی‌خورد.

امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه

- به عبارت دیگر، اسلام با کشاندن بستر رویش و خاستگاه رهبری به میان توده مردم و بستن راه هرگونه انحصار در خاستگاه رهبری، انتخاب رهبر از میان گستره نامحدود جامعه را به مردم سپرده است و این مردم‌اند که به طور مستقیم یا با واسطه خبرگان منتخب خود، فردی واجد صلاحیت را از این پهنه نامحدود و از میان خود به رهبری برمی‌گزینند و این‌گونه در شکل‌گیری کانون قدرت سیاست سهیم می‌گردند (مؤمن، [بی‌تا]، ص ۳۱).

امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه

- برخی دیگر از نویسندگان، برای دفع شبهه ناسازگاری ولایت فقیه با این جنبه از «امنیت سیاسی افراد» (یعنی حق همه افراد در انتخاب شدن به مناصب سیاسی)، معتقدند:

امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه

- اگر ولیّ فقیه به اسم معین شود، به گونه‌ای که دیگران در عین داشتن شرایط لازم، نتوانند این سمت را احراز نمایند، این قطعاً با اصول دموکراسی مغایر خواهد بود؛ اما قرار دادن یک سری شرایط متناسب با آن سمت، برای کسانی که می‌خواهند این سمت را احراز نمایند، هیچ مغایرتی با اصول دموکراسی ندارد.

امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه

- همان طور که قانون اساسی برای ریاست جمهوری نیز شرایطی قرار داده ... **مهم آن است که این شرایط، اکتسابی باشد و هر کس بتواند آن را تحصیل کند و بتواند خود را برای انتخاب شدن، نامزد نماید (هدایت نیا، ۱۳۸۱، ص ۴۱-۵۶ / ر.ک: عنابی و خلیلی شجاعی، ۱۳۹۰، ص ۶۴-۷۶).**

امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه

- از آنچه گفته شد، معلوم می‌شود که شرط فقاہت، همانند شروطی مثل شجاعت، عدالت و مدیریت در مورد ولی امر، به این دلیل که اکتسابی‌اند و با توجه به اینکه رهبری جامعه اسلامی، امر مهم و حساسی است، نه تنها با اصول دموکراسی مغایر نیست، بلکه کاملاً منطقی به نظر می‌رسد.

امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه

- افزون بر اینکه دقت در این ملاک‌ها و نیز ماهیت نهاد حاکمیت در اسلام، نشان می‌دهد که تصدی امر زعامت جامعه مسلمانان، نه یک حق، بلکه تکلیفی بر گردن واجدان شرایط آن است که متضمن سختی‌ها و مرارت‌های بسیار می‌باشد؛

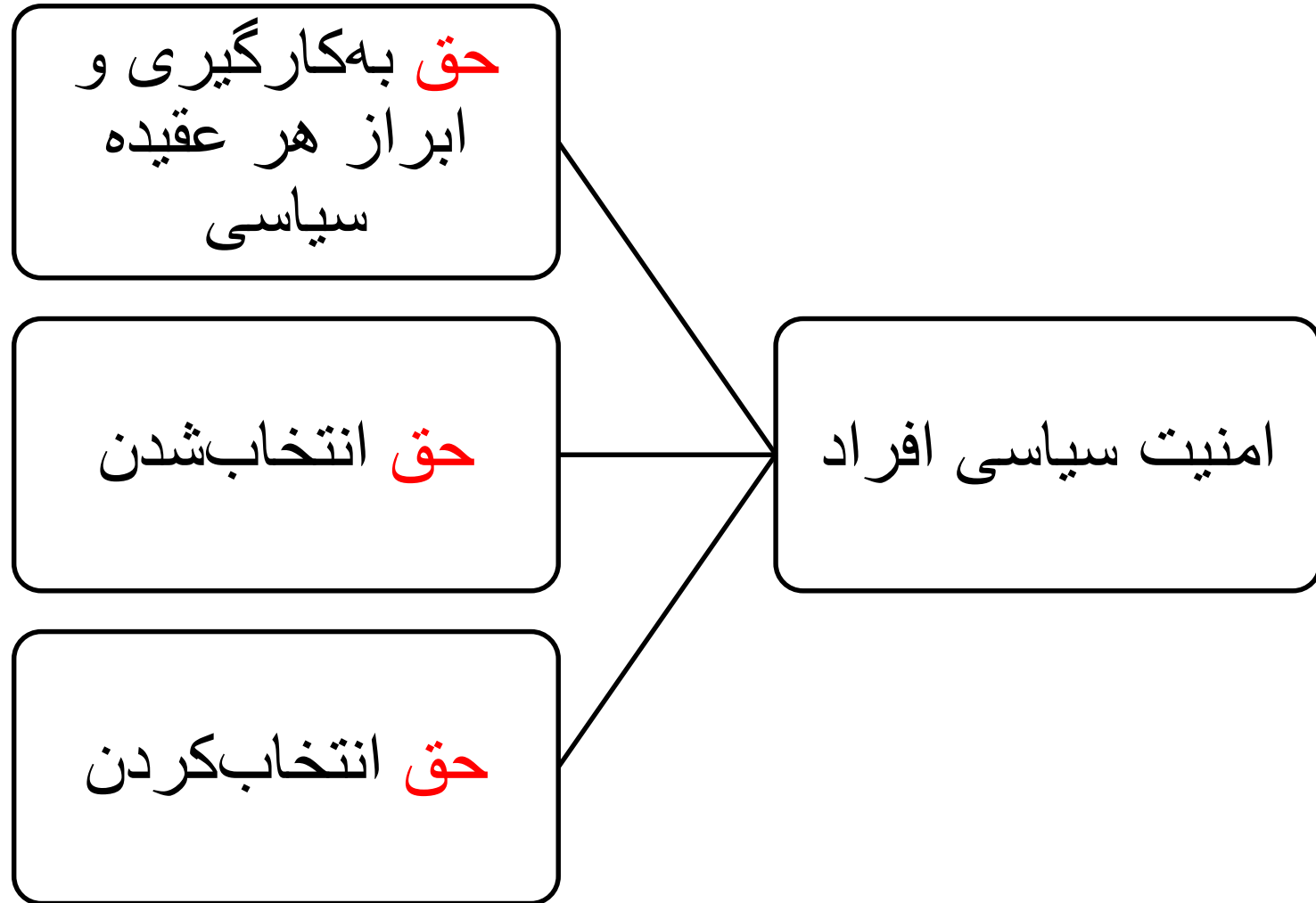
امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه

- بنابراین چنانچه فردی به دلیل کاستی در برخی استعدادهای ذاتی (همچون قدرت مدیریت قوی، توانایی تحصیل در سطوح عالی علمی و...)، خود را از دستیابی به زعامت جامعه اسلامی دور ببیند، در واقع تکلیفی از عهده او برداشته شده است، نه آنکه حقی از وی سلب شده باشد.* همچنین مطالعات میدانی اثبات کرده است که تمایل به دستیابی به یک منصب سیاسی، در افراد بسیار محدودی از اجتماع وجود دارد.**

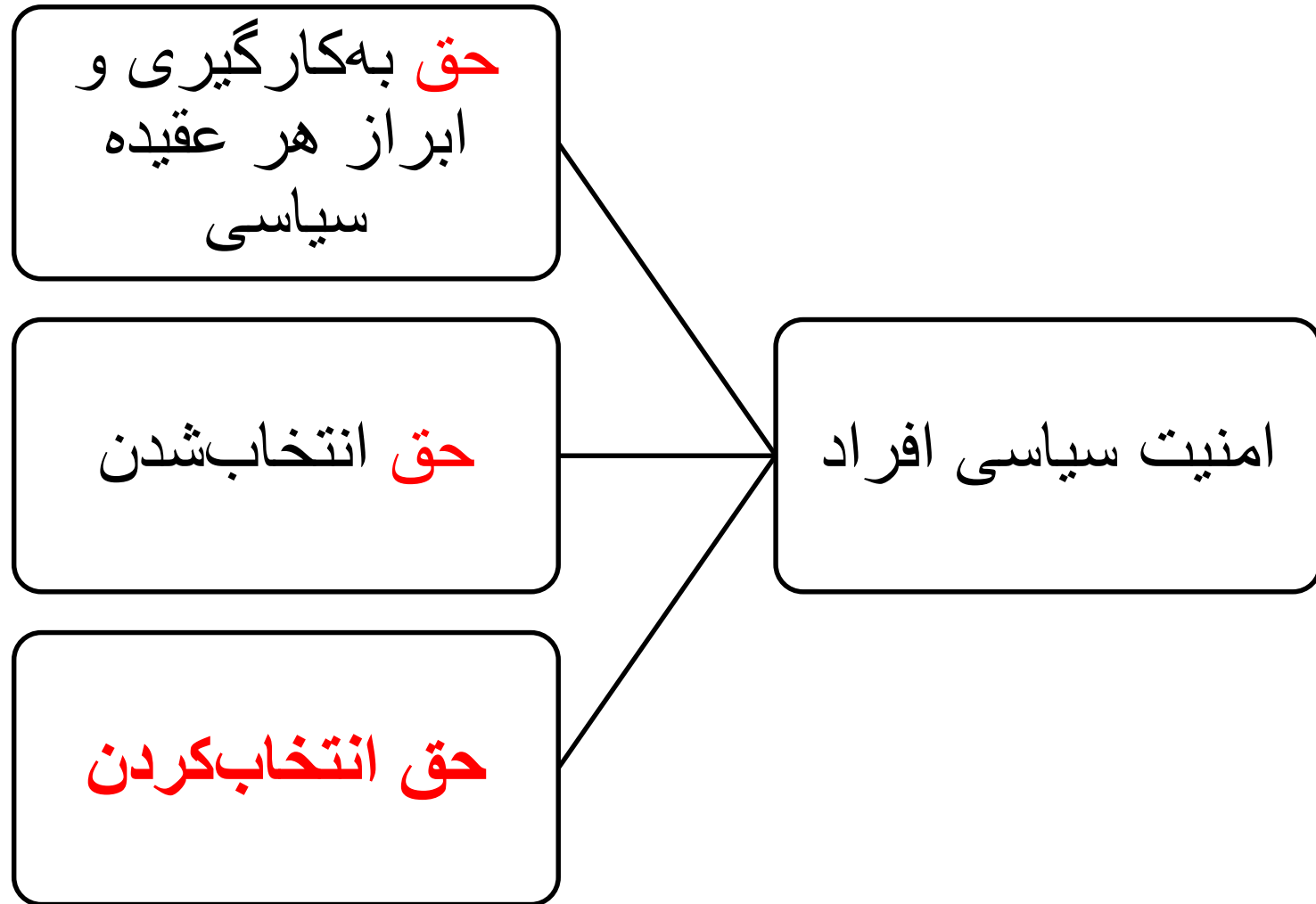
امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه

- نتیجه آنکه تأسیس نهاد «ولایت»، با ویژگی‌ها، شرایط و وظایفی که برای آن بیان شده است، نه تنها امنیت سیاسی افراد را در موضوع «حق بر انتخاب شدن» نفی نمی‌کند، بلکه آن را به گونه‌ای متعالی و سازمان‌یافته به جوامع انسانی عرضه می‌کند تا در سایه آن، امنیت در دیگر حوزه‌ها نیز تأمین گردد.

امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه



امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه



امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه

- انتخاب کردن
- شاید بتوان یکی از مهم‌ترین موضوعات در امنیت سیاسی شهروندان را این امر دانست که آیا آنها حق مشارکت سیاسی دارند و می‌توانند در امور سیاسی نظام حکومتی‌شان مداخله کنند یا خیر و به چه میزان این مشارکت پذیرفته شده است.

امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه

- به عبارت دیگر، چنانچه شهروندان این حق را داشته باشند تا آزادانه، حاکمان جامعه خود را برگزینند و بر سرنوشت اجتماعی خویش حاکم باشند، به گونه‌ای که هیچ قدرت خارجی نتواند اخلاقی در حق انتخاب آنها به وجود بیاورد، از این جهت احساس امنیت خواهند کرد و در امنیت سیاسی به سر خواهند برد.

امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه

- وجود چنین مسئله‌ای از دیرباز در کتب فقهی و با عنوان بیعت، کمابیش مورد توجه فقها قرار داشته است و در میان فقهای شیعه نمی‌توان فقیهی را یافت که به نظریه «تغلب» یا «الأمر لمن غلب» قائل باشد، بلکه تقریباً همه فقها به لزوم بیعت مردم با امام عادل (مشارکت سیاسی) برای تشکیل حکومت، قائل‌اند؛

امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه

- ولی در این میان، درباره ماهیت بیعت (برای مطالعه شباهت‌ها و تفاوت‌های بیعت و انتخابات، ربک: اسماعیلی، ۱۳۷۷، ش ۸۵-۸۶، ص ۱۴۴)، یا مشارکت مردم و جایگاه آن در اندیشه سیاسی شیعه، دو نظریه وجود دارد که عبارت‌اند از: «نظریه مشروعیت‌بخش بودن» و «نظریه کارآمدی».*

امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه

- در نظریه‌ای که مشارکت مردم را به عنوان عامل مشروعیت بخش حکومت در نظر می‌گیرد (نظریه انتخاب)، حاکمیت حق خداست؛ ولی خداوند، این حق خویش را به انبیا و اولیا و در غیبت آنان، به عموم بندگان خود در جامعه اسلامی واگذارده است.

امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه

- براساس این دیدگاه، شارع مقدس برای عصر غیبت، شرایطی را برای حاکم مسلمانان ذکر کرده است و این مردم‌اند که یکی از افراد واجد شرایط را به رهبری انتخاب می‌کنند. برخی علمای معاصر، ولایت فقیهان و تشکیل حکومت اسلامی را به انتخاب مردم دانسته‌اند؛ به عنوان مثال، علامه طباطبایی در این باره بیان می‌دارد:

امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه

- در هر صورت، پس از پیامبر اکرم [?] و پس از غیبت امام (عج)، بسان روزگار ما، بی‌گمان امر حکومت اسلامی بر عهده مسلمانان است. در این باره چیزی که می‌توان از قرآن استفاده کرد: مردم باید براساس سیره پیامبر [?] که همانا روش امامت است، نه روش پادشاهی و امپراطوری، برای اجتماع خویش حاکم برگزینند و به گونه‌ای رفتار کنند که دگرگونی در احکام پدید نیاید و با رایزنی و مشاوره، اداره امور و رخدادهایی که به اقتضای زمان و مکان پدید می‌آیند، انجام پذیرد (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۴، ص ۱۲۴).

امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه

- آیت‌الله سبحانی نیز در این باره می‌نویسد:
- در این زمان، شیوه تشکیل حکومت آن است که مردم حاکم اصلی را برابر معیارها و آیین‌هایی که در کتاب و سنت بر آنها به روشنی اشارت شده، برگزینند، یا اینکه مردم به حاکمی که ویژگی‌های شرعی را دارد، رضا دهند (سبحانی، ۱۴۱۳، ص ۱۸۶-۱۸۸).

امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه

- یکی دیگر از صاحب نظران، ضمن بیان قصور ادله از اثبات نصب فقها بر منصب ولایت جامعه اسلامی، تنها راه ممکن برای زعامت مسلمانان را رأی و انتخاب مردم دانسته است (منتظری، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۴۹۳ به بعد).

امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه

- در مقابل، براساس نظریه‌ای که مشارکت مردم را به عنوان تنها راه کارآمدی حکومت می‌داند (نظریه انتصاب)، حاکمیت حق خداست؛ ولی خداوند این حق خویش را فقط به انبیا و اولیا و در غیبت آنها به منصوبان آنها (منصوبان خاص و عام) واگذارده است و نه به عموم افراد جامعه؛ بنابراین حضور، رأی و مشارکت مردم، تأثیری در مشروعیت حکومت ندارد.

امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه

- صاحب جواهر، هم خود بر این مطلب اشاره روشن دارد و تأکید می‌ورزد و هم از محقق کرکی نقل می‌کند که این مسئله مورد اجماع است که فقیهان از سوی امامان [?] به ولایت گمارده شده‌اند (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۱، ص ۳۹۶). مرحوم نراقی نیز در این باره می‌فرماید:

امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه

- [در روایات] در حق فقیه، منش‌ها و ویژگی‌های زیبا و برتری‌های بزرگی وارد شده است و همانها بسنده می‌کند که دلیل باشند بر گماردگی فقیهان از سوی امامان [?] (نراقی، ۱۴۱۷، ص ۵۳۸).

امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه

- در عین حال، برخی فقها به این نکته توجه داده‌اند که اگر امامت را نه در اندازه یک نظریه، بلکه به عنوان یک واقعیت جامعه اسلامی مطرح نماییم، مسئله بیعت و پذیرش مردم، خودبه‌خود یکی از عناصر تشکیل‌دهنده آن خواهد بود.

امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه

- این امر بدین معنا نیست که امام بدون انتخاب یا پذیرش مردم، واجد صلاحیت امامت نیست یا قبول مردم، از شرایط امامت است، بلکه بدین معناست که بدون پذیرش از سوی مردم، امامت امام واجد صلاحیت و انتخاب شده از جانب خدا عینیت نمی یابد (عمید زنجانی، ۱۳۸۸، ص ۱۲۴ / ر.ک: مصباح یزدی، ۱۳۸۹، ص ۶۱ به بعد / مؤمن قمی، [بی تا]، ج ۱، ص ۳۱ به بعد)؛

امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه

- بنابراین اگر مقبولیت حاکمیت ولیّ فقیه از دست برود، مشروعیتش از دست نمی‌رود، بلکه تحقق حاکمیت و اجرایی‌شدن آن با مشکل مواجه می‌گردد (مصباح یزدی، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۱۳). بر این اساس، برخی نویسندگان، حضور و مشارکت سیاسی شهروندان را به دلیل وجوب حفظ نظام جامعه اسلامی و تعیین آن در انتخابات در زمان حاضر، واجب دانسته‌اند (ملک‌افضلی، ۱۳۸۹، ص ۱۳۴).

امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه

- امام خمینی در پاسخ به نمایندگان خود در دبیرخانه ائمه جمعه سراسر کشور که پرسیده‌اند «در چه صورت، فقیه جامع‌الشرایط در جامعه اسلامی ولایت دارد؟»، فرموده‌اند:
- ولایت در جمیع صور دارد؛ لکن تولی امور مسلمین و تشکیل حکومت، بستگی به آرای اکثریت مسلمین دارد که در قانون اساسی هم از آن یاد شده است و در صدر اسلام تعبیر می‌شده به بیعت با ولی مسلمین (خمینی، ۱۳۸۶، ج ۲۰، ص ۴۵۹).

امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه

- همچنین ایشان در ابتدای انقلاب و درباره تشکیل دولت موقت، این گونه فرمودند:
- ... ما به واسطه اتکا به این آرای عمومی - که شما الآن می بینید و دیدید، تاکنون که آرای عمومی با ماست و ما را به عنوان «وکالت» یا بفرمایید به عنوان «رهبری»، همه قبول دارند -

امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه

- از این جهت ما یک دولتی را معرفی می‌کنیم، رئیس دولتی را معرفی می‌کنیم، [تا] موقتاً دولتی تشکیل بدهد که هم به این آشفتگی‌ها خاتمه بدهد و هم یک مسئله مهمی که مجلس مؤسسان است، انتخابات مجلس مؤسسان را درست کند ... و من باید یک تنبه دیگری هم بدهم و آن اینکه من که ایشان را حاکم کردم، یک نفر آدمی هستم که به واسطه ولایتی که از طرف شارع مقدس دارم، ایشان را قرار دادم.

امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه

- ایشان را که من قرار دادم، واجب الاتِّباع است، ملت باید از او اتِّباع کند. یک حکومت عادی نیست، یک حکومت شرعی است؛ باید از او اتِّباع کنند. مخالفت با این حکومت، مخالفت با شرع است، قیام بر علیه شرع است ... قیام بر ضد حکومت خدایی، قیام بر ضد خداست. قیام بر ضد خدا، کفر است ... ما اعلام می‌کنیم که آقای مهندس بازرگان، حکومت شرعیه دارد از قبل من و بر همه واجب است که اطاعتش را بکنند (همان، ج ۶، ص ۵۸-۵۹).

امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه

- همچنین ایشان در فرمانی که برای تشکیل شورای انقلاب صادر کردند، رأی قاطع مردم را پشتوانه کار خود برمی‌شمارند: به موجب حق شرعی و براساس رأی اعتماد اکثریت قاطع مردم ایران که نسبت به اینجانب ابراز شده است، در جهت تحقق اهداف اسلامی ملت، شورایی به نام شورای انقلاب اسلامی مرکب از افراد باصلاحیت و مسلمان و متعهد و مورد وثوق، موقتاً تعیین شده و شروع به کار خواهد کرد (همان، ج ۵، ص ۴۲۶).

امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه

- حضور پُررنگ مفاهیمی همچون «مصلحت»، «حفظ نظام»، «حکم حکومتی»، «حکم ثانویه» و... در فقه سیاسی شیعه را می‌توان نشانه توجه و اهتمام ویژه فقهای امامیه به کارآمدی تصدی امور از جانب فقیه دانست.*

امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه

- در جمع‌بندی این مباحث می‌توان گفت سخن در مشروعیت بخش بودن یا عینیت بخش بودن مشارکت مردم در این دو نظریه، بحثی فقط نظری و انتزاعی است و ثمره عملی معتناهی در موضوع امنیت سیاسی افراد بر آن قابل تصور نیست؛ چنان‌که در هر دو نظریه، حضور مردم، مشارکت مردم در تصمیم‌گیری‌ها و اجرای تصمیم‌ها و توجه به خواست آنها متبلور است.

امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه

- به عبارت دیگر، در هر حکومت اسلامی که فقیه در رأس آن باشد - هم بر مبنای نظریه انتخاب و هم بر مبنای نظریه انتصاب - مشارکت مردم در تشکیل حکومت و اداره آن به یک شکل و به یک اندازه مورد نیاز و پذیرش واقع می‌شود*** و فقط در ماهیت آن اختلاف نظر وجود دارد که این اختلاف در ماهیت، بحثی علمی و نظری قلمداد می‌شود.

امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه

- به علاوه در نظریه انتخاب نیز مردم موظف‌اند از میان فقهای واجد شرایط، دست به انتخاب بزنند و به همین دلیل، آزادی عمل فراوانی ندارند.

امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه

- بر این اساس، در تلاقی امنیت سیاسی با بحث حاضر باید این گونه گفت که با توجه به آثار و پیامدهای مشابهی که به کارگیری هریک از این دو نظریه در امنیت سیاسی و حقوق اجتماعی افراد جامعه دارد، مشارکت مردم در تعیین یا تشخیص فقیه حاکم، امری محتوم و ضروری است و بر حکومت اسلامی واجب می باشد هم به منظور مشروعیت بخشی به تصدی فقیه حاکم و هم به منظور کارآمدسازی و جلوگیری از اختلال نظام، رأی و نظر مردم را در تعیین حاکمان بپذیرد و و به حقوق و امنیت سیاسی آنان گردن نهد.